

نقش نخبگان و دانشگاهیان در مقابله با افراط گرایی

۱ مجتبی دهدار

۲ اسماعیل ارباب

چکیده

خاورمیانه از یک دهه قبل به ویژه در پی تهاجم نظامی آمریکا به عراق، با افزایش جریان های افراطی مواجه شده است. افراط گرایی که از دل بنیادگرایی اسلامی بیرون آمده از لحاظ ایدئولوژیک، با شکل اسلامی ایدئولوژی محافظه کاری سنتی افراطی در جوامع اسلامی است. به همین دلیل، افراط گرایان به سادگی براساس ظاهر آیات قرآن و بدون تفسیر عالمان دینی حکم جهاد می دهند و مسلمانانی را که مانند آن ها نمی اندیشند کافر یا مشرک قلمداد می کنند. آثار هولناک تندروی ها، خشونت ها و جنایات روزافزون گروه های تکفیری، لزوم مبارزه صحیح و سریع با این پدیده شوم و ریشه کن نمودن این آفتی را که ابعاد و دامنه آن رو به گسترش است، دوچندان می کند. گرچه افراد مختلف در جامعه هریک به نسبت های متفاوت می توانند در مهار این بحران اثرگذار باشند، اما نقش نخبگان دانشگاهی در این میان بسیار پررنگتر از سایر اقشار جامعه است. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و با رویکرد کتابخانه ای به بررسی نقش نخبگان و دانشگاهیان در مقابله با افراطگرایی پرداخته است. گرایش افراد به خشونت و افراط را بیان می دارد و با نظر به تلاش دشمنان برای ایجاد اسلام هراسی و ترسیم چهره ای غیرواقعی از مسلمانان در اذهان عمومی، برخی از مسؤولیت های علمای دین همچون: تبیین مواضع اسلام در خصوص تکفیر دیگران و تعدی به حقوق آن ها، بازگو نمودن حقیقت اسلام و تسامح و عطوفت اسلامی، نهادینه کردن آموزه های دینی در افکار جامعه، اصلاح مناهج تعلیم و تربیت اسلامی مطابق با نیاز روز، آموزش دانش آموختگانی آگاه و ... را در مواجهه با این بحران ها برمی شمرد.

واژگان کلیدی: مقابله با افراط گرایی، خشونت و افراط گرایی، نخبگان، دانشگاهیان

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی و مدرس دانشگاه، ehsandehdar70@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان زاهدان،

feabm1377@gmail.com

مقدمه

امروزه جهان اسلام شاهد رشد گروه های افراطی و بنیادگرایی است که سودای خلافت و حکومت اسلامی را در سر می پروراندند. با وجود اینکه از دیرباز انواعی از مواجهه خشونت بار بین پیروان مذاهب اسلامی به صورت رفتارهای پراکنده وجود داشته است اما امروزه شدت توسعه آن قاطبه عالمان دین و جامعه شناسان مذهبی را عمیقاً نگران کرده است؛ چراکه گرایش های تکفیری با ارائه قرائتی خاص از دین، نگاه غضبناک خود به سایر جریان های اسلامی را شدت بخشیده در این بین خاورمیانه منطقه ای است که گروه های افراطی به طورکلی از حدود یک دهه گذشته تاکنون در این منطقه رشد و گسترش یافته اند. بعد از کشته شدن اسامه بن لادن، این گروه ها انشعابات زیادی پیدا کرد؛ بخشی از آنان در پاکستان قد علم کردند و بخشی در سوریه و عراق و حتی آفریقا. ویژگی مشترک این گروه های افراطی این است که جنبش هایی جهانی هستند که به قطعیت متون مقدس اعتقاد داشته و خواهان بازگشت به دوران صدر اسلام و تفسیر مبانی دینی براساس ایدئولوژی خود می باشند. آنان با وضع سیاسی موجود مبارزه می کنند و مخالف سکولاریسم و واکنشی به جریان های مدرن هستند. درواقع جریان های افراطی در جهان اسلام، از ایدئولوژی وهابی و سلفی گری تکفیری سرچشمه گرفته اند و در این میان، داعش یا همان گروه موسوم به «دولت اسلامی عراق و شامات» انشعابی از القاعده است که در مدت کوتاهی توانسته بخش هایی از عراق و سوریه را زیر سلطه خود درآورد و در کانون توجه بین المللی قرار گیرد.

خاورمیانه منطقه ای است که به واسطه مولفه های مهمی چون موقعیت ژئوپولیتیک، انرژی، بازار مصرف، سابقه تاریخی و مسائل دینی و مذهبی همواره مورد توجه بوده و از جهات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و استراتژیک در تحولات جهانی نقش حساس داشته و دارد. همین ویژگی ها باعث شده که طی دهه های اخیر، خاورمیانه کانون بحران های گوناگونی بوده که جهان را صحنه درگیری های ملی، منطقه ای و بین المللی کرده است. خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ فرآیندی جدیدی را تجربه می کند که این وقایع هم می تواند در قالب تداوم تحولات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و هم می تواند به صورت مجزا و به عنوان مرحله ای تاریخی و دورانی جدید در این منطقه مورد مطالعه قرار گیرد. اما موضوعی که به عنوان نقطه مشترک هر دو دوره باید به آن اشاره کرد، افزایش خشونت و درگیری های طایفی و مذهبی درخاورمیانه است. این امر که با افزایش فعالیت جریان های سلفی و نو سلفی

در خاورمیانه همراه شد، در تحولات اخیر سوریه و عراق جلوه عینی گستردهای به خود گرفت. در این میان، یکی از پدیده های جدید در عرصه روابط بین الملل، بنیادگرایی اسلامی یا جریان های افراطی است که اکنون در خاورمیانه و بیشتر کشورهای اسلامی فعالیت دارد. از دیدگاه تافلر جریان های انحرافی و نوظهور به فرقه های صنعتی می روید (تافلر^۱؛ ۱۳۸۵: ۵۱۷). نحله های انحرافی نوظهور، عرفان کاذب، عرفان سکولار، ادیان جدید و دیگر عناوینی که مطرح می شود و در عرف آکادمیک بین الملل از آن به «جنبش های نوپدید دینی» با علامت اختصاری^۲ NRM می شود، بعد از جنگ جهانی دوم، نمود عینی یافته و در دهه های شصت و هفتاد میلادی به اوج خود رسید (زودبین، ۱۳۹۱). امروز در برخی گروه های بنیادگرای اسلامی برای دسترسی به اهداف خود، از ابزار تروریسم استفاده می کنند. تروریسمی که امروزه در حال فعالیت است، گونه ای از خشونت سیاسی است (علیخانی، ۱۳۹۵). تروریسم هر چند از ابتدای هزاره سوم، به طور ویژه در دستور کار امنیتی کشورها قرار گرفته است، اما شکل اخیر تکفیری آن در خاورمیانه در پی خیزش تازه در جهان عرب از لایه های پنهانی سربرآورده که در واقع، در قالب تهدید جدی امنیتی و در ظاهری به مراتب خشن تر ظاهر شده است. وجود شکاف های عمیق قومی- مذهبی در خاورمیانه و ژرف تر شدن این شکاف ها به واسطه جنگ قدرت ها و خلأ امنیتی ایجاد شده، منطقه خاورمیانه را به بهشت گروه های افراطی همانند داعش (دولت اسلامی عراق و شام) تبدیل کرده است.

ظهور پدیده افراط گرایی و برداشت های نادرست از اسلام، تبعات جبران ناپذیری را برای کشورهای مسلمان و حتی دولت های غربی به دنبال داشته است که لزوم همبستگی جهانی را برای رفع این معضل می طلبد. بر صاحب قلمان و پژوهشگران واجب است، باتوجه به تخصصی که در اختیار دارند، در برابر تکفیر و خشونت سکوت نکرده و دوشادوش دولت ها در مبارزه با افراط گرایی و یافتن راهی برای علاج این فتنه تلاش کنند. در این مقاله به بررسی نقش نخبگان و دانشگاهیان در مقابله با افراط گرایی پرداخته می شود.

1. tofler

2. New Religious Movement

مفهوم افراط گرایی^۱

افراط گرایی مفهوم مبهمی است که معانی ذیل را دارد:

۱. داشتن ایده‌های سیاسی تا نهایت ممکن، بدون توجه به پیامدهای «تأسف بار»، عملی نبودن، استدلال‌ها و احساسات مخالف، با هدف مقابله با مخالفان و حذف آن‌ها.

۲. عدم تحمل دیدگاه‌های دیگران نسبت به نظر خود.

۳. به‌کارگیری وسایلی برای تحقق اهداف سیاسی بدون توجه به استانداردهای رفتاری پذیرفته شده که نشانگر عدم توجه به زندگی، آزادی و حقوق انسانی دیگران باشد (اسکراتون،^۲ ۲۰۰۷: ۲۳۷؛ به نقل از کرم زادی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). در افراط گرایی دینی، معتقدان به یک تفکر خاص، اعتقادات و رفتار دیگر آن را نادرست و انحراف از دین می‌دانند و در مواردی با ابزار دینی تکفیر، آن‌ها را ملحد یا مشرک عالم می‌کنند و آن‌ها را سزاوار مجازات می‌دانند. برای مثال، افراط‌گرایان تکفیری وهابی، شیعیان را به دلیل زیارت قبور پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) مشرک می‌دانند. سپاه صحابه در پاکستان، شیعیان را به دلیل عزاداری‌های ماه محرم واجب‌القتل می‌دانند. همچنین، افراط‌گرایان دینی طرفداران اصلح و نوگرایی را بدعتگذار و مهدورالدم می‌دانند و تحمل اختلاف‌های جزئی با همفکران خود را ندارند. آن‌گونه که افراط‌گرایان تکفیری داعش و جبهه‌النصره در سوریه که هر دو از شاخه‌های القاعده بوده‌اند به شدت و با خشونت زیاد همدیگر را قلع و قمع می‌کنند (کرم زادی، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

افراط‌گرایی اسلامی که از دل بنیادگرایی اسلامی بیرون آمده اشکال دموکراتیک و سکولار دولت را که توسط غربی‌ها به کار گرفته شده‌اند را رد می‌کند. این مخالفت‌ها به وسیله ایدئولوگ‌های جنبش بر مبنای مفهوم «یگانگی خداوند» (توحید) بیان شده است. آن‌ها معتقد به حاکمیت انحصاری قوانین الهی به عنوان تنها شکل مشروع حکومت بوده و حاکمیت دولت‌ها را قبول ندارند. اما بنیادگرایی مذهبی مسیحی، جنبش حاشیه‌ای غیرخشونت‌آمیزی باقی مانده و در تعداد محدودی از کشورها فعالیت می‌کند و مانند همتای اسلامی خود ماهیت فراقشوری ندارد. افراط‌گرایی اسلامی از دهه ۱۹۷۰م گسترش قابل توجهی داشته و مجموعه متنوعی از شاخه‌های خشن جهانی داشته است که مهم‌ترین آن‌ها القاعده و جنبش‌های وابسته به آن هستند (الرفیعی،^۳ ۲۰۱۳: ۶۹).

از لحاظ ایدئولوژیک، افراط‌گرایی اسلامی مساوی با شکل اسلامی ایدئولوژی محافظه‌کاری سنتی افراطی در جوامع اسلامی است. در این مدل عناصر اساسی محافظه‌کاری سنتی غربی نیز وجود دارد؛ مسائلی مانند این اعتقاد که انسان‌ها بد شده‌اند و جامعه فاسد شده است، دعوت برای بازگشت به

1. Extremism
2. Scruton
3. Al Raffie

گذشته بهتر از بین رفته و سنت های عالی، مخالفت با تغییرات اجتماعی، تمرکز بر اصول اخلاقی، شیطانی نشان دادن دشمنان و سیاست های افراطی. به علاوه، تمایل به ترکیب بین کلیسا و دولت و حکومت مردمان نیک در مسیحیت در افراطگرایی اسلامی نیز وجود دارد که باید توسط علما (قضات اسلامی، مفسران قرآن یا روحانیون اسلامی) صورت گیرد. همانگونه که اولیویر روی گفته است: اسلام گرایان خصوصیات مشابه زیادی با بنیادگرایان مسیحی غربی دارند (روی، ۱۹۹۴: ۶-۵). شاید اولین و مهم ترین آن این باشد که آن ها از تغییر واهمه دارند (برین، ۲۰۰۶: ۳۶). این شیوه مواجهه با مسائل کنونی جامعه مسلمانان، بنیادگرایی یا برگشت به شیوه و روش سلف صالح نامیده می شود. جریان سلفی که اغلب به عنوان وهابیت شناخته می شود، جامعه متنوعی است. اما همه آن ها در رویکرد خشک مقدس به دین برای اجتناب از بدعت در مذهب با تقلید از الگوی حکومت [حضرت] محمد (ص) اشتراک دارند. این جامعه به اندازه های وسیع است که چهره های مختلفی مانند اسامه بن لادن و مفتی سعودی را دربرمی گیرد. افراد و گروه های درون این جامعه مواضع متنوعی در مورد موضوعات مهمی مانند جهاد، ارتداد و اولویت ها دارند. در بسیاری از موارد، محققان ادعا می کنند که رهبران سلفی چنان مواضع فقهی مخالفی دارند که این سؤال را پیش می آورد که «آیا می توان آن ها را در یک سنت مذهبی مشابه جای داد؟» (ویکتورویسز، ۲۰۰۶: ۲۰۸).

افراطگرایان تکفیری اسلامی که آن ها نیز بر بنیادگرایی تأکید دارند به تکفیر دیگر مسلمانان پرداخته و با رد قواعد جهاد تدافعی بر جهاد و کشتار دشمنان تأکید می کنند. افراطگرایان، مدعی فهم تعالیم ناب دینی با مراجعه مستقیم به متون و منابع اصلی (قرآن و سنت) و بدون نیاز به علمای دینی هستند. بنابراین، اندیشه های این افراد فاقد تئوری است، یعنی مراجعه به نص بدون تئوری. بدین معنا که هر حکمی که در نص هست، باید به همان شکل اجرا شود، احتیاج به تأویل و تفسیر و توضیح ندارد، عقلانیت در آن وجود ندارد. مثال تفکر سنتی اهل سنت جهاد را می پذیرفت، اما می گفت باید حاکم دستور جهاد دهد. اما تکفیری ها می گویند انسان مسلمان خودش باید جهاد را انجام دهد. بنابراین، دیگر جهاد از کمنند حاکم خالص شده است (فیرحی، ۱۳۹۲؛ به نقل از کرمی زاده، ۱۳۹۵، ۱۱۸). به همین دلیل، افراطگرایان به سادگی براساس ظاهر آیات قرآن و بدون تفسیر عالمان دینی حکم جهاد می دهند و مسلمانانی را که مانند آن ها نمی اندیشند کافر یا مشرک قلمداد می کنند.

1. Roy
2. Brian
3. Wiktorowicz

مفهوم تروریسم

ترور در لغت به معنای وحشت و ترس زیاد است و در اصطلاح به «حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست‌زدن به خشونت و قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت به‌منظور نیل به هدف‌های سیاسی، کسب یا حفظ قدرت است» (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۵۸۳). در نتیجه اشخاصی که دست به ترور می‌زنند تروریست نامیده می‌شوند، ترور را بیشتر در صدمات جسمانی و در ارتباط با زور و خشونت تلقی کرده‌اند، حتی در سال ۱۷۹۳ در مجمع ملی انقلاب فرانسه «ترور به‌عنوان یک قانون به تصویب رسید و در همان سال در حمله‌ی موسوم به ترور اول، رقمی بیش از ۲۰ هزار نفر از جمله تعداد فراوانی روحانی مسیحی و هوادار سلطنت خودکامه در سراسر فرانسه کشته شدند» (طیب، ۱۳۸۲: ۲۰).

با این‌حال برای بررسی دقیق‌تر خوبست بدانیم که مفهومی بنام «ترور شخصیت» یا «ترور روانی» هم داریم که در آن حیثیت و روح و روان افراد هدف تروریست‌ها قرار می‌گیرد: «ترساندن و تهدید افراد از طریق هدف قرار دادن روحیه، حس شهادت و اعتبار آن‌ها» (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۵۸۳).

مفهومی به نام رژیم ترور هم داریم که مربوط به دولت تروریست است که ممکن است عرصه فعالیت‌های تروریستی آن‌ها به خارج از مرزها هم راه یابد. هر کجا مخالفی باشد یا به زعم این رژیم، تهدیدکننده موجودیت، اهداف، منافع و... آن‌ها باشد، شخصیت حقیقی یا حقوقی باشد، مورد ترور جسمانی و روانی قرار می‌گیرد: «رژیم ترور نیز به رژیمی اطلاق می‌شود که از طریق ایجاد وحشت، حبس و کشتار مخالفان خود، حکومت می‌کند» (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۵۸۳).

شاید این تعریف کمی جامع‌تر از دیگر تعاریف باشد که در سال ۱۹۹۰ وزارت دفاع آمریکا ارائه داد: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت‌ها یا جوامع، که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد» (طیب، ۱۳۸۲: ۲۲).

اگرچه نمی‌توان اهداف اقتصادی، نظامی، توسعه‌طلبانه امپریالیستی و... را برای کاربرد ترور نادیده گرفت و نیز مفهوم ترور روانی را که نوعی حمله تدریجی به شخصیت و حیثیت افراد است.

از منظر اسلام حتی در دفاع مشروع هم، کشتن افراد بیگناه، تعقیب فراریان، کشتن اسیران، زنان، کودکان و از این فراتر تخریب جنگل‌ها، درختان، آلوده کردن آب‌ها، تعرض به ناموس مردم و پرده‌داری مجاز نمی‌باشد، پیامبر(ص) در حدیثی فرمودند: «الایمان قیدالفتک» (نهایه ابن کثیر؛ ج ۳، ص ۴۰۹، نقل از رضوانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸)؛ ایمان از ترور جلوگیری کرده است.

حتی در نبرد با دشمن هم مواردی مورد تذکر اسلام است که حاکی از همین مسأله است؛ از امام‌صادق(ع) نقل شده که فرمودند: «پیامبر گرامی اسلام هنگامی که می‌خواست سپاهی را برای جنگ اعزام نماید. آن‌ها را فرا می‌خواند و در برابرشان می‌نشست و می‌فرمود: با نام خدا و برای خدا

و در راه خدا سفر را آغاز کنید، نیرنگ و حقه زنید، کشته‌ها را مثله نکنید، سالخوردگان کودکان و زنان را نکشید و درختی را مبرید مگر این که مجبور شوید» (فروع کافی، ج ۵، ص ۲۷؛ نقل از رضوانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

در مجموع ترور چه در نوع دولتی یا شخصی آن باشد، کاربرد خلاف یا غیر قانونی^۱ البته اگر قانون انسانی باشد. یا غیرشرعی از زور و خشونت برضد افراد یا اموال یا حتی منابع طبیعی را در برمی‌گیرد و این در جوامع انسانی خواهان فضیلت و در جهان اسلام مطرود است.

مفهوم نخبه^۱

نخبه از واژه Eli Gere به معنی انتخاب و یا انتخاب کردن، گرفته شده است. مفهوم اولی برای تبیین کیفیت اجناس و کالاهایی به کار می‌رود که دارای نوعی ویژگی و برتری، نسبت به سایر کالاها است (ارغندی، ۱۳۸۸: ۱۳). نخبه به کلی‌ترین مفهوم آن به گروهی از اشخاص گفته می‌شود که در هر جامعه‌ای مواضع رفیع را در اختیار دارند به بیان جزئی‌تر، نخبه مشتمل بر گروهی از افراد است که در رشته‌ای خاص برتری دارند (گولد و کولب، ترجمه پرهام، ۱۳۹۲: ۸۳۵). دقیق‌ترین تعریف از نخبگان را پارتو ارائه داده است. به اعتقاد او، نخبه کسی است که ذاتاً دارای امتیازات هوشی، جسمی و روانی است. این مواهب را طبیعت در وجود یک شخص به عاریت نهاده است (نقیب‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۵). معمولاً برگزیدگان، دربرگیرنده تمام افراد و اشخاصی‌اند، که دارای خصوصیات استثنایی و منحصر به فرد بوده و یا دارای استعداد و قابلیت‌هایی عالی در زمینه کار خود و یا در برخی فعالیت‌ها می‌باشند. در دوره جدیدتر هارولد لاسول، نخبگان را متشکل از افرادی می‌داند، که بیشترین دست‌رسی و کنترل به ارزش‌ها را دارند (روشه، ترجمه وثوقی، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

اهمیت و ضرورت حضور نخبگان دانشگاهی در مقابله با افراط‌گرایی

حضور نخبگان دانشگاهی در عرصه‌های مختلف، قطعاً بسیار پیشبرنده است اما مهم‌تر از حضور اجرایی نخبگان، تأثیرگذاری فکری و گفتمان‌سازی ایشان است چرا که این کار، مسئولان و مدیران را هم به همان جهت موردنظر نخبگان، سوق خواهد داد و پدیده‌ای بنام گردش نخبگان نیز به وقوع می‌پیوندد. نخبگان باید با فکر کردن، نوشتن و انعکاس ایده‌های خود بدون هراس از نگاه‌های کور غیرآکادمیک فضایی مبتنی بر آینده‌پژوهی به وجود آوردند و مسئولین کنونی بر مسند قدرت باید بدانند که تا ده سال آتی و شاید کمتر، این نسل سوم و چهارمی‌ها هستند که می‌خواهند کشور را اداره کنند و اگر میدانی به آن‌ها داده نشود، عملاً و ناخودآگاه با صحنه قدرت قهر می‌کنند که این موضوع خوشایند نبوده و حتی تبدیل فرصت به تهدید و فراهم شدن زمینه‌های افراط‌گرایی در کشور می‌شود. پس این نکته را باید متذکر شد که اکنون بهترین زمان برای نیروسازی و پرورش نخبگان است و اگر آگاهان حاکم بر جامعه به این موضوع توجه نکنند و مجالی برای حضور ایشان در

صحنه فراهم نسازند، از این بی توجهی آینده جامعه و کشور را متضرر می‌کنند. افراط‌گرایی به عنوان پدیده‌ای جدیدی که رفتارهای خشونت‌آمیز و گسترش تروریسم محصول آن است، ساختارها، هنجارها و ارزش‌های جامعه را هدف قرار می‌دهد. همواره افراط‌گرایی به عنوان یک نگرانی مورد توجه قرار داشته است. سوال جدی و اساسی این است که انگیزه‌های اصلی افراط‌گرایی چیست؟ در پاسخ به پرسش با توجه به تجارب تاریخی و مطالعات علمی‌ای که در خصوص افراط‌گرایی و چگونگی مبارزه در برابر آن انجام شده است، می‌توان گفت مجموعه‌ی عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی در یک جامعه به صورت شبکه‌ای دست به دست هم می‌دهند تا در تباری و همکاری با یکدیگر زمینه‌های افراط‌گرایی را مساعد سازند. افراط‌گرایان از ایدئولوژی‌های دینی و برداشت‌های خاص از متون و ارزش‌های اسلامی به عنوان بزرگترین ابزار استفاده می‌کنند تا با پیوند زدن قرائت‌های دلخواه دینی با متغیرهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی متناسب با اوضاع و احوال جوامع فکر افراطی را خلق، ترویج و نهادینه سازند. سرنوشت کشور در دانشگاه تعیین می‌شود و سعادت و شقاوت جامعه را دانشگاه تعیین می‌کند. به این دلیل که دانشگاه متکفل قوه عاقله جامعه است و نبض آینده کشور را در دست دارد. مدیران آینده کشور در دانشگاه‌ها تربیت می‌شوند، لذا هر چه از اهمیت دانشگاه گفته شود، کم است. تفاوت در این است که دانشگاه‌ها برای رسیدن به سه هدف در چه فضایی فعالیت می‌کنند آیا فضای ارزش‌های الهی و ایمان و باور است یا فضای ضد ارزش و اخلاق و بی‌اعتقادی است؟ این فضا هرگونه باشد بر سه هدف اصلی نیز تاثیر می‌گذارد. هزاران دانشگاه در دنیا فعالیت می‌کنند و همچنین در جمهوری اسلامی ایران دانشگاه‌های فعال وجود دارد که همه این‌ها با سه هدف اصلی تعریف می‌شوند؛ اول تولید علم که هدف اصلی از تاسیس دانشگاه است. دوم آموزش و ترویج علم و سوم پرورش انسان‌های عالم و کاردان و تقریباً همه کتاب‌هایی که در دنیا درباره دانشگاه نوشته شده به این سه هدف توجه دارند.

دانشگاهیان قشر آگاهی هستند که می‌توانند در اجتماع نقش مؤثری ایفا نمایند. در این راستا دانشگاهیان برای این که بتوانند نقش خود را کامل نمایند باید در کنار سایر اقشار اجتماعی و مردم باشند. اگر دانشجویان بتوانند در دانشگاه، علم و ایمان را با یکدیگر همراه سازند، می‌توانند به عنوان یک قشر تحصیلکرده، فرآیند روشنگری اجتماعی را به دست گیرند. به عبارت دیگر یک دانشگاهی عامل روشنگری اجتماعی است و زمانی می‌تواند موفق باشد که بتواند آگاهی و توانایی‌های خود را در مسیر تحقق ارزش‌های الهی به کار گیرد. امروزه درباره چالش‌های سهمگین تروریسم و افراط‌گرایی که جوامع با آن روبرو است و همچنین مبارزه با این پدیده و جلوگیری از گسترش آن باید بر همه آشکار شده باشد که مبارزه تأثیرگذار و موفق علیه این دو پدیده سرطانی، نیازمند رویکرد همه‌جانبه و راهبرد چندبخشی است که بیش و پیش از هر چیز، در گروهی درک‌هوشیارانه از شرایط اجتماعی،

فرهنگی، اقتصادی و منطقی است که زمینه ساز پدیدار شدن افراطیت شده مهار و در نهایت ریشه کن کردن واقعی سازمان های افراطگرایی تروریستی نیاز مبرم به نخبگان دانشگاهی دارد.

نقش دانشگاه در عقلانی سازی حوزه عمومی و ایجاد توافق عقلانی میان شهروندان

دانشگاه به عنوان مرکز تولید علم و فن آوری در یک تقسیم بندی کلان به دو گونه قابل استفاده می باشد: نخست به عنوان مرکز تولید فناوری و روش های کنترل جامعه و مدیریت آن که می تواند در خدمت اهداف ایدئولوژیک قدرت حاکمه و طبقات مسلط به کار رود. در واقع این گونه از دانشگاه عقلابزار ایتقویتمی کند و مناسب ترین روش های مدیریت، کنترل اجتماعی و روش تحقق اهداف کلان را که قدرت فایقه بر اساس ارزش ها و باورهای خود تعیین می کند، در اختیار مدیران و کارشناسان آن قرار می دهد.

دوم دانشگاه می تواند در کنار تولید فناوری و روش های کنترل و مدیریت، مرکزی تولید نظام دانایی و خرد نقاد و تفکر انتقادی باشد که شناخت عمل بایسته و اصول اخلاقی، جزو آن است، این گونه از معرفت است که می تواند توانایی نقد ایدئولوژی ها را برای شهروندان در حوزه عمومی فراهم می کند. در واقع در این سنخ از دانشگاه، میان دو گونه دانش تفکیک می شود، دانش عملی و دانش فنی.

دانشی عملی دانشی است که قدرت عملی می آورد، یعنی وظیفه انسان را در مقام عمل تعیین می کند، و از این طریق خود مختاری فرد را به مرحله فعلیت و کمال آن می رساند و علاقه صریح به آزادی و رهایی فرد و محور رنج و شادکامی او را دارد و مرحله تصمیم گیری را بیرون از قلمرو خود نمی داند، تابع عقلی است ذاتی نه ابزاری؛ عقلی که اراده معطوف به عقلانیت را به کار می برد و قواعد خود را وضع می کند، این عقل اساس توجه خود را معطوف به انسان هایی می کند با یک دیگر گفتگو می کنند، یعنی در پی ایجاد توافق عقلانی میان انسان ها و عقلانی سازی اهداف و ارزش های آنها است. تا ایده آل عقل را از حیث اخلاق اجتماعی از رهگذر گفتگو و کنش ارتباطی در فطرت عقلانی آنها کشف کند. خاستگاه این نوع از عقل، عقل عملی و به تعبیر حکمای مسلمان حکمت عملی است.

اما دانش فنی قدرت فنی می آورد، این دانش، قدرت پیش بینی، کنترل به وجود می آورد، به کمک آن می توان رفتارهای آدمیان را پیش بینی کرد و جامعه و رفتار های جمعی را مدیریت و کنترل کرد، و به کمک آن ابزار ساخت، تورم را مهار کرد و بر طبیعت مسلط شد و بیماری را درمان کرد و فقر را کاهش داد، تجارت و کسب و کار را رونق بخشید. اما این علم به پرسش های عملی و اخلاقی آدمیان جواب نمی دهد، از سطح تأمل عقلانی محدود به افق های تکنولوژیک فاصله نمی گیرد، هیچ تلاشی جهت دستیابی شهروندان به وفاق عقلانی در باره کنترل عملی سرنوشت شان به عمل نمی آورند. این

سنخ از دانش، محصول دانش نظری از نوع تجربی و تحلیلی است که ظرفیت و توان اجتماعی آن در حد قدرت کنترل فنی است.

دانشگاه از نوع دوم از خودآگاهی به این تفکیک و با اجتناب از فروکاستن دانش به علم فنی که قدرت اجتماعی آن فقط در حد ایجاد قدرت بر کنترل فنی است، به وجود می‌آید که در آن هر دو نوع علم محور آموزش و تحقیق قرار می‌گیرد.

در صورتی یک دانشگاه از نوع دوم شکل می‌گیرد که حد اقل سه شرط را در نظام اکادمیک خود محقق کند: نخست استقلال علمی و اکادمیک، استقلال علمی این زمینه را فراهم می‌کند که محقق و استاد بدون ترس از سانسور و هرگونه تهدید دیگر هر مسئله و موضوعی را که شایسته تحقیق تشخیص دهد با استفاده از روش تحقیق علمی و با کاربرد آزادانه و نقادانه عقل آن‌را مورد پرسش و پژوهش قرار دهد و به هر نتیجه‌ای که به لحاظ علمی قابل قبول باشد که رسیده بتواند آن را برای عموم و حوزه عمومی عرضه کند. مجبور و ملزم به رعایت اهداف ایدئولوژیک خاص و خطوط قرمز آن نباشد. پس بتواند آزادانه تحقیق کند و آزادانه یافته‌های خود را بیان کند. نظام دانشگاهی تابع ایدئولوژی رسمی نباشد، بلکه کوشش روشمند وجود داشته باشد که غیر ایدئولوژیک نگه داشته شود، که خود از مؤلفه‌های استقلال اکادمیک می‌باشد. سوم این که علم، و نظام دانایی آن تنها معطوف به تولید علم به مفهوم پوزیتیویستی آن نباشد که به تولید ابزار فنی و یا روش‌های کنترل و مدیریت می‌انجامد و معطوف به کسب معرفت ایجابی راجع به این که چه چیز مبنای عمل فردی و جمعی ما قرار گیرد، نبوده باشد، یعنی فقط عقلانیت ابزاری را پرورش دهد نه عقل ذاتی را. اتخاذ اهداف و مبنای عمل را از حوزه عقل خارج دانسته و این حوزه را تنها تابع تصمیم اختیاری افراد و یا همان شهروندان و مدیران جامعه به شمار می‌آورد. واضح است که این نوع از نظام دانایی قدرت نقد ایدئولوژی‌ها را ندارد، بلکه تصمیم‌ها را در اختیار عواطف، و ایدئولوژی‌های رقیب که بر حوزه عمومی مسلط است، قرار می‌دهد.

بنابراین نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاهی باید معطوف به تقویت عقلانیت در صورت کامل آن باشد و پیش از تقویت و بارور ساختن عقلانیت ابزاری به تقویت عقل ذاتی که ما را در تعیین مبنای عمل جمعی و فردی کمک می‌کند، اهتمام بورزد. این نوع از دانش مورد توجه حکمای اصیل از جمله حکمای مسلمان بوده است. هدف اساسی آن‌ها از حکمت کسب معرفت و رسیدن به اعتدال درونی بوده است، نه ساختن ابزار و تسلط بر طبیعت و ضبط و مهار آن. البته می‌دانیم که عقل ذاتی و استدلال عقلی در انحصار هیچ گروهی به تنهایی نیست، لذا درک نسبتاً کامل یک واقعیت و فهم متقابل افراد و گروه‌ها از یکدیگر در گفتگوی انتقادی متقابل متولد می‌شود. عقل ذاتی که براساس آن شهروندان بر سر اصول و اعداف عمل باید توافق کنند، در نتیجه‌ای چنین گفتگویی فعلیت پیدا می‌کند و گویا از قوه به فعل می‌آید. نظام دانشگاهی می‌تواند این گفتگوی انتقادی را میان شهروندان از

طریق اهتمام به پروژه عقلانیت در وجه و صورت کامل آن، به ترتیبی که توضیح داده شد، تسهیل کند. چون دانشگاه مهم‌ترین رکن جامعه مدنی است.

برای فایق آمدن بر افراط‌گرایی کنونی، نظام دانشگاهی ما حد اقل در سطح منطقه در نخست این سه شرط را در خود محقق کند تا به صورت مستقل و بی‌طرفانه افکار و ایدئولوژی‌های مسلط بر حوزه عمومی را نقد و جامعه مدنی و قدرت سیاسی را از سیطره آن‌ها از جمله ایدئولوژی خشونت و نفرت‌رهایی بخشد و ذهن و ضمیر آنان را از نوستالیزی محل‌گرایی و هویت‌های محدود قومی و فرقه‌ای تعالی بخشد، به انسانیت جهان‌شمول و جهان‌وطنانه ارتقا بخشد، و از قدرت و مرجعیت برای تأثیرگذاری در حوزه عمومی و عقلانی‌سازی آن برخوردار گردد و بتواند به شهروندان کمک کند تا در یک گفتگوی انتقادی در حوزه عمومی به توافق عقلانی بر سر اصول و ارزش‌های اخلاقی برای کنش و عمل نایل آیند. بنابراین همکاری وسیع منطقه‌ای دانشگاهی لازم است تا دانشگاه به یک مرجع مهم معنوی و فکری تبدیل شود در تعیین خرد جمعی در سطح ملل منطقه تعیین کننده باشد.

در این راستا می‌توان از سنت فکری، فلسفی و علمی دوره درخشان تفکر و تمدن اسلامی، بهره گرفت. در قرن سوم و چهارم هجری قمری از ماوراءالنهر، خوارزم، سیستان و خراسان تا ری و اصفهان و بغداد، نوعی آزاد اندیشی جهان‌وطنانه که عقل را برای کسب معرفت، آزادانه به کار می‌بردند به وجود آمده بود، حکمت و فلسفه اسلامی و رشد و صورت‌بندی علوم اوایل، یعنی معارف عقلی بشر در تمدن اسلامی محصول همین دوره آزاد اندیشانه است. از ویژگی‌های مهم این دوره که آن را از دوره جدید متمایز می‌کند، دو چیز است؛ یکی کاربرد عقل به مفهوم عقل ذاتی که قوت و کمال آن در کسب معرفت دانسته می‌شد و دوم این‌که نتیجه آموزش و کمال عقلانی باید اعتدال درونی فرد و جامعه باشد، اگر نظام دانشگاهی ما بتواند این سنت را احیا و به روز کند، گفتمان رقیب که خاستگاه افراطیت و نفرت است به حاشیه رانده خواهد شد، چون افراطیت از غیبت عقلانیت خرد نقاد و تسلط احساسات و باورهای غیر عقلانی بر حوزه عمومی تغذیه می‌کند. (احمدی، ۱۳۹۷)

آموزش دانشگاهی و مهار افراط‌گرایی

مبارزه با این پدیده، اقدامات گسترده و پرهزینه‌ای را در قبال داشته و دارد. تا سال ۲۰۱۵ هزینه مبارزه با افراط‌گرایی تقریباً پنج تریلیون دالر امریکایی برآورد شد و از سال ۲۰۱۶ درگیری علیه داعش روزانه ۱۱ میلیون دالر امریکایی هزینه داشت. چنان‌چه می‌دانید، این هزینه‌ها هنوز هم نتوانسته است افراط‌گرایی را مهار و محو کند. اگر نیم این هزینه برای دو دهه متواتر در آموزش و پرورش صرف شود و آگاهی لازم برای مقابله با افراط‌گرایی و پی‌آمدهای آن از طریق مردم بومی (استادان هر منطقه) برای دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های آن‌ها داده شود، تحکیم تسامح و تساهل، کثرت‌گرایی و فرهنگ احترام به حقوق بشر و پذیرش دیگران از طریق نهادهای مرتبط با فرهنگ‌سازی، وزارت‌های معارف، تحصیلات عالی و همچنین وزارت حج و اوقاف، امور جوانان، ورزش

و مؤسسات رسانه‌ای نیز برنامه‌ریزی و اجرا شود، وضعی تغییر خواهد کرد؛ زیرا تمام افرادی که به گروه‌های افراطی می‌پیوندند، به نحوی از آموزش دور بوده و یا آموزش نامعقول و افراطی آن‌ها را به افراط‌گری کشانیده است. متوسل شدن به روان‌شناختی و همدردی، پستی‌بانی، تحسین و بالاخره شست‌وشوی مغزی از آنان آله‌ای می‌سازد تا اهداف خود را در قالب دین و مذهب پیاده کنند. طبق تحقیقات انجام شده، تربیت و آموزش تروریسم و ایجاد حلقات دینی و مذهبی افراط‌گرا، بیش‌تر برای سنین ۱۵ تا ۲۵ سال اتفاق می‌افتد، که متأثر از کمبودی‌های عاطفی، روحی و روانی در خانواده یا جامعه و یا هم آموزش نادرست دوران ۷ تا ۱۵ ساله‌گی است که اقشار مختلف جامعه را در سنین بالاتر به کام خود فرو می‌برد. خلاصه این‌که آموزش و پرورش این پتانسیل و قدرت را دارد تا با این پدیده مقابله کند. معلمان مکاتب و اساتید دانشگاه‌ها به عنوان سکان‌داران این کشتی، می‌توانند با این پدیده مقابله کنند و جهانی عاری از خشونت بیافرینند. (صبح افغانستان، ۱۳۹۹)

نتیجه

با ظهور جریان‌های افراطی در منطقه و در سطح جهان که مهم‌ترین طرفداران آنها برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان هستند، خاورمیانه به میدان نبرد گروه‌های افراطی تبدیل شده است و روزه روز بر دامنه فعالیت آن‌ها افزوده می‌شود. گفتمان اسلام سلفی به عنوان میراث وهابیت در شبه جزیره عربستان، به نوبنیادگرایان القاعده تسری یافته است. آن‌ها تحولات سیاسی - اجتماعی را هرچند به طور ابزاری با تفسیرهای مختلف قرآنی توجیه می‌کنند. این اسلام سلفی از طریق وهابیت ساکن عربستان به طور رسمی گسترش یافت. با توجه به منشأ اندیشه‌های افراطی و وهابی که اکنون در سطح جهان گسترش یافته‌اند و در ابتدای بحث نیز به آن اشاره شد، خاستگاه اندیشه‌های افراطی، عربستان سعودی است؛ بنابراین می‌توان گفت، خاورمیانه منطقه‌ای انباشته از شکاف‌های اجتماعی است که امروزه فعال شده‌اند. در نتیجه فعال شدن این شکاف‌ها، روندهای متناقض و متضادی در خاورمیانه در جریان است؛ از یک سو روندهای دموکراتیک نیرو می‌گیرد و از سوی دیگر، سلفی‌ها و تکفیری‌ها به یک نیروی قوی تبدیل شده و منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. سرنگونی رژیم‌های دیکتاتور در منطقه بیش از آنکه به دموکراسی بینجامد، به بی‌ثباتی، جنگ داخلی، و نابسامانی منجر شده است. البته جریان تندرو اسلامی، همواره در منطقه خاورمیانه وجود داشته است، اما تحولات و تغییرات دولت‌ها و کشورهای منطقه، این جریان را با فراز و فرودهایی روبرو کرده است که با تلاش برای ایجاد اصلاحات و تغییراتی در روندهای فکری توانسته است خود را بازسازی کرده و به موجودیتش ادامه دهد. چه بسا در برخی موارد، اصلاحات منجر به شکل‌گیری شاخه‌های بیشتری از این جریان شده و در برخی دیگر، هیچ‌گونه تحولی رخ نداده و همواره اصول اولیه و اساسی آنها پابرجا می‌ماند و حتی شاخه‌هایی با افکار

افراطی تر با پایبندی به اصول سنتی شکل می گیرند؛ بنابراین می توان ادعا کرد که امروزه رشد بنیادگرایی اسلامی در گروه های جهادی از پاکستان، افغانستان، و سوریه گرفته تا عراق، یمن، مصر، و نیجریه روبه گسترش بوده و داعش، قدرتمندترین گروه جهادی است که جنایت های بی سابقه ای در کشورهای مختلف انجام داده است. با بررسی نحوه شکل گیری داعش می توان ادعا کرد که این گروه نیز پدیده ای نوین نبوده و اساسا روندی فکری است که در ادامه و تداوم اندیشه جریان تندرو اسلامی در منطقه به دنبال برخی تحولات و تغییرات سیاسی - امنیتی کشورها و دولت های منطقه به وجود آمد و برخی از کشورهای سوئدجو و فرصت طلب منطقه ای و فرامنطقه ای برای تأمین منافع ملی و اهداف خود در منطقه به گسترش آن دامن زدند.

مسائل و مشکلاتی که دنیای امروز با آن ها مواجه است به ویژه پدیده تکفیر و افراط گرایی، خشونت و تروریسم، نقش مراکز علمی تحقیقاتی را دو چندان می کند. این وظیفه مراکز آکادمیک و دفاتر مطالعات راهبردی و دانشکده های روابط بین الملل است که باید به اینگونه پرسش ها پاسخ دهند که ریشه این پدیده های شوم و نو ظهور در کجاست و چگونه پدید آمده اند و چه تدابیری بایستی برای مقابله با این خطرات و تهدیدها اندیشیده شود. در بیان بارزترین فعالیت های نخبگان دانشگاهی در مقابله با بحران تکفیر و گرایش افراد به خشونت، می توان تلاش های ذیل را برشمرد: تبیین مواضع دین مبین اسلام در خصوص تکفیر و تعدی به حقوق دیگران، بازگو نمودن حقیقت اسلام و تسامح و عفویتی که این دین الهی هموارها بنای بشر را به آن فرا می خواند و نهادینه کردن این آموزه ها در باور مردم جامعه، اصلاح شیوه های تعلیم و تربیت اسلامی مطابق با نیاز روز، آموزش دانش آموختگانی آگاه که بتوانند با تبیین مسائل دینی، مسیر نشر برداشتهای ناصحیح از شریعت را سد کنند، احیای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه.

آثار هولناک تندروی ها، خشونت ها و جنایات روزافزون گروه های تکفیری، لزوم مبارزه ی صحیح و سریع با این پدیده شوم و ریشه کن نمودن این آفتی را که ابعاد و دامنه آن رو به گسترش است، دوچندان می کند. گرچه افراد مختلف در جامعه هر یک به نسبت های متفاوت می توانند در مهار این بحران اثرگذار باشند، اما نقش نخبگان دانشگاهی در این میان بسیار پررنگتر از سایر اقشار جامعه است. با نظر به تلاش دشمنان برای ایجاد اسلام هراسی و ترسیم چهره ای غیرواقعی از مسلمانان در اذهان عمومی، برخی از مسؤولی تهای نخبگان دانشگاهی همچون: تبیین مواضع اسلام در خصوص تکفیر دیگران و تعدی به حقوق آنها، بازگو نمودن حقیقت اسلام و تسامح و عفویت اسلامی، نهادینه کردن آموزه های دینی در افکار جامعه، اصلاح مناهج تعلیم و تربیت اسلامی مطابق با نیاز روز، آموزش دانش آموختگانی آگاه را در مواجهه با این بحران ها برمی شمرد.

منابع

- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۸). نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: قومس
- آقابخشی، علیاکبر. (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار
- آقاپور، سیدمهدی و حسنی، مختار. (۱۳۸۸). بررسی رویکرد دانشگاه اسلامی در سیره رهبری امام خمینی (س)، دانشگاه پیام نور
- آقاپور، سیدمهدی (۱۳۷۵). کنکاشی در جایگاه و نقش استاد و دانشجو در جامعه از دیدگاه امام خمینی (س)، دانشگاه تهران، نشریه روابط عمومی
- تافلر، الوین. (۱۳۸۵): موج سوم، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران، انتشارات علم
- دژآکام، رضا. (۱۳۸۷). نقش دانشجویان در تحولات سیاسی اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (س)، فصلنامه دانشگاه اسلامی
- رحیمی، ثریا و حاتمی کنکبود، حبیب. (۱۳۹۷). پدیده افراطگرایی و تکفیر در عصر حاضر، علل ظهور و نقش علمای اسلام در مقابله با آن، مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، صص ۵۲-۲۹
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۵). تروریسم و خشونت طلبی، قم: نشر مسجد مقدس جمکران
- روشه، گی. (۱۳۹۵). تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی
- زودبین، حسین. (۱۳۹۱): فرقه های نوظهور، کرج: نشر مهدیار جوان.
- طیب، علیرضا. (۱۳۸۲). تروریسم، تهران: نشرنی
- علیخانی، رضا. (۱۳۹۵). علل شکل گیری و توسعه داعش و نقش آن در تحولات منطقه ای و بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور قزوین
- فیرحی، داوود (۱۳۸۳). دفاع، شروع ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۶، صص ۱۲۶-۱۰۹.
- کرمی زادی، مسلم. (۱۳۹۵). سلفی گرایی جهادی - تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۴۲-۱۱۳
- گولد، جولیس و کولب، ویلیام. (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: مازیار
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۸۵). صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نقیب زاده، احمد. (۱۳۹۶). درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، تهران: سمت
- احمدی، محمد امین، (۱۳۹۷)، همایش تعاملات دانشگاهی و آموزش، دانشگاه سیستان و بلوچستان

- صبح افغانستان، (۱۳۹۹)، کنگره جهانی مقابله با جریان های افراطی و تکفیری
- Al Raffie, Dina (winter 2013). “Social Identity Theory for Investigating Islamic Extremism in the Diaspora” Journal of Strategic Security. Vol. 6. No. 4. Pp. 67-91.
- Brian R. F. (2006). Understanding Radical Islam: Medieval Ideology in the TwentyfirstCentury. Peter Lang International Academic Publishers
- Wictorowicz, Quintan (2006). “Anatomy of the Salafi Movement”. Studies in Conflict andTerrorism. Vol. 29. Issue 3. Pp. 207–239.

